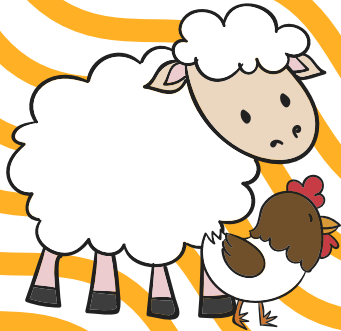


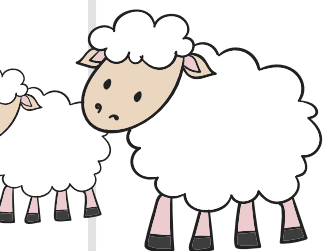


ایلا



غریبه بیت لحم





سفر یوسف به بیت لحم

گروه سنی: ۴-۷ سال

تعلیم: زمانی که فرشته بر چوپانان ظاهر شد، چوپانان با سادگی سخنان فرشته را پذیرفتند. ایمان و باور به چیزهای نادیده، آنها را هدایت کرد تا سرانجام به مقصد برسند و با عیسی، آن شاهزاده آسمانی ملاقات کنند.

کاربرد: من هم می‌توانم با ایمان در این سفر روحانی قدم بردارم و به مقصد برسم.

منبع: لوقا ۲: ۸-۲۰ (آیه کلیدی: لوقا ۲: ۱۵-۱۶ «بیایید به بیت لحم برویم» تصمیم گرفتند باور کنند... «پس به شتاب رفتند» اقدام کردند)

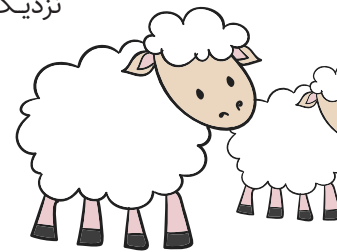
آیه حفظی برای کل مجموعه: امثال ۳: ۵ و ۶

مقدمه:

- ♦ به بچه‌ها از یک روز قبل یادآوری شود که کوله‌پشتی و یا چمدان‌شان را به همراه همسفرانشان (یوسف و شتر) فراموش نکنند. علاوه بر این وسایل، از بچه‌ها بخواهید که از قبل سه عدد مقوا به صورت کارت درست کرده و همراه خود بیاورند.

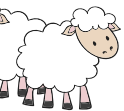


- ♦ در ابتدای کلاس از بچه‌ها بخواهید که همسفران‌شان را از توی کوله‌پشتی‌های‌شان بیرون بیاورند و همگی با هم یکصدا بعد از شمارش معکوس بگویند که به کجا داریم سفر می‌کنیم: بیت‌لحم!
- ♦ نقشه را دوباره باز کنید و برای یادآوری بیت‌لحم را بر روی نقشه نشان دهید.
- ♦ منطقه‌ای را نزدیک به بیت‌لحم انتخاب کنید و به بچه‌ها توضیح دهید که مسافت چندان به بیت‌لحم باقی نمانده است و ایستگاه سوم خیلی نزدیک به بیت‌لحم است.



بازی دومین ایستگاه

- ♦ (این بازی مناسب جلسات ساختمانی و جلسات اینترنتی است)
- ♦ از بچه‌ها ابتدا سؤالات زیر را پرسید:
 - ♦ بچه‌ها آیا دو ایستگاه قبلی را به یاد دارید؟ ناصره و همدان.
 - ♦ با هر کدام از همسفرها در کدام ایستگاه آشنا شدیم؟ یوسف: ناصره/ شتر و مجوسیان: همدان
 - ♦ هر یک از همسفرها چه چیز مهمی را برای سفرشان برداشتند؟ یوسف: شجاعت/ مجوسیان و شترها: پشتکار
 - ♦ چه کسی به یاد دارد که پشتکار یعنی چه؟ یعنی با وجود سختی‌ها دست از انجام کار برنداریم و تا آخر ادامه دهیم.
- ♦ به بچه‌ها توضیح دهید که در ایستگاه امروز باز ما با شخصیت‌های جدیدی آشنا می‌شویم. برای شناخت شخصیت‌های این هفته باز به جعبه‌های همیشگی نیاز داریم، با این تفاوت که این هفته خود بچه‌ها یک جعبه خواهند داشت.
 - ♦ در صورتی که جلسه ساختمانی است، از قبل به تعداد بچه‌ها جعبه‌هایی را آماده کنید (جعبه کفش بهترین گزینه است، اما انتخاب آن بر عهده خود شماست). اشکال هندسی زیر را به تعداد مشخص شده بر روی مقوا بریده و به همراه چسب ماتیکی و مداد رنگی در هر جعبه بگذارید.
 - ♦ در صورتی که جلسه اینترنتی برگزار می‌شود، از والدین درخواست کنید تا جعبه‌ای را برای فرزندشان آماده کنند. والدین بایستی اشکال هندسی زیر را به تعدادی که از قبل مشخص شده است، بریده و به همراه مداد رنگی و چسب ماتیکی در جعبه بگذارند (بچه‌ها نباید از قبل بدانند که در جعبه‌ها چه چیزی قرار دارد).
 - ♦ به بچه‌ها بگویید جعبه‌های‌شان را باز کنند. بچه‌ها را تشویق کنید تا در صورت امکان همه اشکال را شناسایی کنند. به احتمال قوی، بچه‌های این گروه سنی با اشکال دایره و مثلث آشنایی دارند، بخصوص اینکه هفته گذشته نیز در قسمت مقدمه این اشکال به نوعی به کودکان معرفی شده



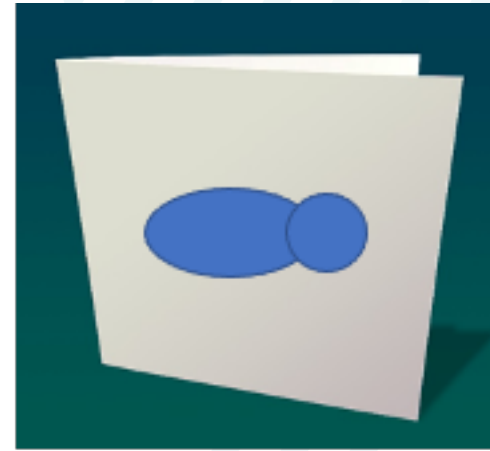
است. اما شکل بیضی برای بچه‌ها ناآشنا می‌باشد. همه اشکال را یک بار خودتان به بچه‌ها معرفی کنید.

- ♦ از بچه‌ها بخواهید اشکال شبیه به هم را جدا کرده و در گوشه‌ای بگذارند، مثلاً ۳ عدد دایره بزرگ را یک گوشه بگذارند.
- ♦ به بچه‌ها توضیح دهید که با این اشکال قرار است سه شخصیت داستان این هفته را خلق کنیم. از قبل خودتون با اشکال داده شده، بر روی سه مقوا، یک نوزاد قنடاق شده، یک گوسفند و یک فرشته را بسازید.
- ♦ از بچه‌ها بخواهید که کارتهایشان را نگه دارند، چون قرار است که وقتی داستان کتاب مقدس را می‌شنوند از آنها استفاده کنند.



۳ عدد دایره بزرگ و یک عدد دایره کوچک
۲ عدد بیضی بزرگ و چهار عدد بیضی کوچک
۱ عدد مثلث بزرگ و دو عدد مثلث کوچک





داستان کتاب مقدس

- ♦ در ابتدای این قسمت از بچه‌ها بپرسید که آیا می‌دانند شبان کیست؟
- ♦ در مورد شبان، نوع کارش، محل کارش و ارتباطش با گوسفندان صحبت کنید.
- ♦ به بچه‌ها توضیح دهید که این هفته، گوسفند، فرشته و نوزاد، همسفرای ما هستند. به هر یک از این کارتها، شخصیت داده و از زبان خودشان، آنها را به بچه‌ها معرفی کنید.
- ♦ به بچه‌ها توضیح دهید که امروز می‌خواهیم یک داستان از کتاب مقدس، از سفر چند شبان و گوسفندانش به بیت‌لحم بشنویم.
- ♦ (در جلسات قبلی، شما را تشویق کردیم تا برای این گروه سنی، داستان را از زبان شخصیت‌های داخل داستان و یا به صورت تئاتری اجرا کنید. اما برای داستان این هفته، شما را تشویق می‌کنیم تا داستان را از روی خود کتاب مقدس بخوانید، البته می‌توانید جملات را ساده‌نویسی کنید اما به متن کتاب مقدس وفادار باشید. به این ترتیب بچه‌ها با واژگان کتاب مقدسی هم آشنا می‌شوند.)
- ♦ به بچه‌ها توضیح دهید که بایستی به دقت به داستان توجه کنند و هر بار اسم شبان می‌آید باید تصویر گوسفند را نشان دهند، هر بار اسم فرشته را می‌شنوند تصویر فرشته و با شنیدن اسم نوزاد، تصویر نوزاد را باید بالا بگیرند.



نتیجه‌گیری

- ♦ از بچه‌ها بپرسید که چطور باور کردند که حرف معلم درست است و صندلی‌ای در اتاق وجود دارد؟ این امکان وجود دارد که بچه‌ها جوابی برای این سؤال نداشته باشند.
- ♦ (شاید این یک تجربه جالب برای حتی شما مربیان عزیز باشد. گاهی برای توصیف ایمان، حتی کلمات هم قادر به بیان عمق معنای آن نیست. ایمان یک احساس درونی است که حتی با منطق قابل توجیه نمی‌باشد. بر اساس عبرانیان ۱:۱۱ ایمان یعنی باور کردن به چیزهایی که نمی‌بینیم)
- ♦ به بچه‌ها یادآوری کنید که همانطور که از داستان شبانان و گوسفندان یادگرفتیم، ایمان یک تصمیم است. در این بازی نیز بچه‌ها خود تجربه کردند که باور کردن حرف معلم یک تصمیم بود و در نتیجه این تصمیم، آنها توانستند به سمت صندلی‌ای بروند که قادر به دیدن آن نبودند.
- ♦ به بچه‌ها بگویید که بیا بیا ما هم تصمیم بگیریم که با ایمان باقی این سفر به بیت‌لحم را ادامه دهیم. زمان آن رسیده است که همسفرهای جدید را در کوله‌پشتی‌هایمان بگذاریم و یادممان باشد که هر وقت در طی این سفر خسته شدیم و نخواستیم دیگر ادامه دهیم، می‌توانیم با همسفرهایمان صحبت کنیم و به یاد آوریم که به شجاعت، پشتکار و ایمان می‌توانیم ما هم به مقصد برسیم.
- ♦ می‌توانید در انتها، زمان کوتاهی برای شکرگزاری و پرستش داشته باشید.

آیه حفظی:

- ♦ با بچه‌ها امثال ۳: ۵ و ۶ را بخوانید.

با تمام دل خود بر خداوند توکل کن، و بر عقل خویش تکیه نمما؛ در همه راههای خود او را در نظر داشته باش، و او طریقه‌ایت را راست خواهد گردانید.

- ♦ سرود امثال ۳: ۵ و ۶ را برای بچه‌ها پخش کنید و تشویق کنید تا با هم سرود را بخوانید.

کاربرد

- ♦ از بچه‌ها بپرسید که به نظر آنها، در داستان امروز چه چیزی به شبانان کمک کرد که به عیسی برسند؟
 - ♦ پس از شنیدن نظرات خود بچه‌ها، جواب درست را به آنها بگویید: در لوقا ۲: ۱۵ نوشته شده است که شبانان تصمیم گرفتند که صحبت‌های فرشته را باور کنند و راهی سفر شوند (این تصمیم‌گیری و قدم برداشتن، یعنی ایمان).
 - ♦ ایمان یعنی برداشتن قدم اول، حتی وقتی که تمام مسیر را نمی‌بینی! مارتین لوتر
- برای درک بهتر ایمان، بازی زیر را با بچه‌ها انجام دهید.

بازی ایمان

- ♦ این بازی را می‌توانید هم در جلسات ساختمان و هم اینترنتی انجام دهید. در صورتی که جلسه به صورت اینترنتی برگزار می‌شود از والدین درخواست کنید در این قسمت به شما کمک کنند.
- ♦ ابتدای بازی بایستی چشم‌های کودک با دستمال بسته شود.
- ♦ والد بایستی بدون آنکه کودک متوجه شود، در یک گوشه از اتاق صندلی‌ای قرار دهد.
- ♦ معلم با صدای بلند خطاب به هر یک از بچه‌ها می‌گوید: صندلی‌ای وسط اتاق است تو باید به سمت صندلی بری، نشانه برای تو این است که صدایی تو را هدایت خواهد کرد.
- ♦ والد باید کودک را هدایت کند تا به سمت صندلی برود و روی صندلی بنشیند.



آفرین که با موفقیت وارد مرحله آخر از سفر به بیت لحم شده‌اید. زمان ورود به ایستگاه چهارم رسیده است!



پروژه

- ♦ به بچه‌ها عبرانیان ۱۱: ۱ را به زبان ساده توضیح دهید. از بچه‌ها پرسید که چه چیزهایی هستند که نمی‌بینیم اما به آنها باور داریم؟
- ♦ به بچه‌ها توضیح دهید که همانطور که یاد گرفتیم ایمان یعنی قدم برداشتن با اینکه نمی‌دانیم نتیجه چی می‌شود. این هفته هم قرار است که با هم چند قدم ایمان برداریم. برای این پروژه به چند دانه عدس، یک گلدان و خاک نیاز داریم. به بچه‌ها توضیح دهید که برای انجام این پروژه به ایمان، صبر و پشتکار نیاز هست. هر روز با برداشتن هر قدم یک مهر در پاسپورت بچه‌ها زده می‌شود.

قدم‌های ایمان

- ♦ قدم اول: روز اول انتخاب دانه‌های عدس. خیلی مهم هست که عدس‌هایی را انتخاب کنید که شکسته و ناسالم نباشند. عدس‌هایی که تغییر رنگ داده‌اند برای این پروژه مناسب نیستند. دانه‌های عدس را در ظرفی پر از آب می‌ریزیم و در جای گرمی می‌گذاریم.
- ♦ قدم دوم: به عدس‌ها سر بزنیم و آب عدس‌ها را عوض می‌کنیم.
- ♦ قدم سوم: به عدس‌ها سر بزنیم و آب عدس‌ها را عوض می‌کنیم.
- ♦ قدم چهارم: به عدس‌ها سر بزنیم و آب عدس‌ها را عوض می‌کنیم. خیلی مهم هست که هر روز با صبر آب عدس‌ها را عوض کنید، چون عدس‌ها به آب تازه نیاز دارند.
- ♦ قدم پنجم: به عدس‌ها سر بزنیم، آیا تغییری در عدس‌ها ایجاد شده است؟
- ♦ قدم ششم: به عدس‌ها سر بزنیم. به احتمال زیاد تا به الان عدس‌های ما جوانه‌های کوچکی زده‌اند. آفرین، شما با ایمان قدم برداشتید و با صبر جوانه‌ای را تولید کردید. اما کار هنوز تمام نشده است. الان زمان کاشت دانه‌ها در گلدان است. پس از کاشت، گلدان را پشت پنجره بگذارید و هر روز خاک را مرطوب کنید تا سرانجام دانه شما سر از خاک بیرون آورد.